

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۵ اکتوبر ۲۰۲۲

پول‌های بلوکه شده ایران به جنبش‌های اجتماعی معترض ایران پرداخت شود نه به حکومت اسلامی!

باید از هر طریق ممکن به کمک کارگران اعتصابی، به‌ویژه کارگرانی که دستمزدشان پرداخت نمی‌شود و یا اخراج شده‌اند شتافت. از راه‌انداختن صندوق اعتصاب و هر راهی که بتوان با تامین زندگی کارگران، به ادامه اعتصاب آن‌ها کمک کرد.

ایران میلیاردها دلار پول بلوکه شده در جهان دارد. همچنین مبالغ هنگفتی که خانواده شاه سابق در مقطع انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، از کشور خارج کردند. این مبالغ هنگفت نه به حکومت اسلامی، بلکه به مردم ایران تعلق دارد. بنابراین، این پول‌ها نباید به حکومت اسلامی داده شود چرا که تجربه تائکونی نشان داده است این حکومت، با این مبالغ امکان عملی پیدا می‌کند که از یک‌سو، هرچه بیشتر جنبش‌های اجتماعی و تشکل‌های مستقل کارگران و بازنشستگان و کانون نویسندگان ... و همچنین اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها را سرکوب می‌کند و از سوی دیگر، این پول‌ها را به جنگ‌های نیابتی خود در کشورهای مختلف منطقه و تروریسم قرار می‌دهد.

با میلیاردها دالری که امروز در اختیار رضا پهلوی و مادرش فرح پهلوی قرار دارد به مردم ایران تعلق دارند چرا که در مقطع انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، آن‌ها این پول‌ها را از ایران خارج کرده و به حساب‌های شخصی خود ریخته‌اند. البته این کار بزرگ و مهم، کار وکلا و حقوق‌دانان متعهد و مسئول ایرانی و همکاران بین‌المللی آن‌هاست که از مجرای قانونی و حقوقی تلاش کنند تا مبالغ بلوکه شده ایران در کشورهای مختلف، به فعالیت مردمی و اعتراض و اعتصاب مردم ایران تعلق گیرند.

شالین ذکر است که یکبار دادگاهی در آمریکا، بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران را به بازماندگان نظامیانی اختصاص داد که عوامل تروریستی حکومت اسلامی، آن‌ها را لبنان به قتل رسانده بودند. بنابراین، راهی که این دادگاه، طی کرد و موفق هم شد می‌تواند سرمشقی برای وکلایی باشد که احتمالاً در رابطه با پیشنهاد بالا، آگاهانه و داوطلبانه آستین‌ها را بالا بزنند.

حال این مبالغ با وجود مشکلات و موانع بانکی، چگونه به ایران برسد و چگونه در اختیار کارگران و کارمندان اعتصابی و مردم نیازمند قرار گیرد بحث دیگری است که چندان هم سخت نیست و می‌توان راه‌های مختلفی برای آن پیدا کرد.

کارگران و سایر مزدبگیران زمانی وارد اعتصاب سرنوشت‌ساز تاریخی می‌شوند که سقوط حکومت قطعی گردد و یا برای این که بتوانند حکومت اسلامی ایران را به گورستان تاریخ بفرستند در طول اعتصاب خود نیاز به کم مالی دارند. چرا که در دوران اعتصاب، حکومت دستمزد اعتصاب‌کنندگان را پرداخت نمی‌کند و چه بسا تعداد زیادی از آن‌ها را نیز اخراج کند. به همین دلیل، اگر می‌خواهیم کارگران به‌ویژه کارگران بزرگ و تاریخ‌سازی همچون صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و کارمندان ادارت وارد اعتصاب شوند ضرورت دارد که منابع تامین مالی زندگی آن‌ها را نیز مشخص گردد تا آن‌ها با کم‌ترین دغدغه و بدون نگرانی از عدم پرداخت دستمزد و اخراج وارد اعتصاب شوند.

تاکنون رقم دقیقی از مقدار پول‌های مسدودشده ایران در سایر کشورها به صورت رسمی اعلام نشده است. یکی از این منابع اموال بلوکه شده ایران در حساب‌های بین‌المللی است. اموال بلوکه شده ایران در حساب‌های بین‌المللی بین ۱۰۰ میلیارد دلار و ۱۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است. تقریباً یک میلیارد و ۹۷۳ میلیون دلار دارایی ایران در آمریکا بلوکه شده است.

براساس سرویس تحقیقات کنگره، علاوه بر پول‌های تحریم شده در حساب‌های بانکی خارجی، دارایی بلوکه شده ایران شامل املاک و مستغلات نیز می‌شود. علاوه بر دارایی‌های بلوکه شده در ایالات متحده، برخی از دارایی‌های ایران توسط سازمان ملل متحد در سراسر جهان بلوکه شده‌اند.

از ژانویه ۲۰۲۱، ایران امکان دسترسی به ۷ میلیارد دلار در کره جنوبی؛ ۶ میلیارد در عراق عراق؛ ۲۰ میلیارد در چین؛ ۱/۵ میلیارد دلار در ژاپن؛ ۱/۶ میلیارد دلار در لوگزامبورگ دارایی‌های بلوکه شده ناشی از فروش نفت را از دست داده است. اگرچه به گفته دبیرکل اتاق بازرگانی ایران و عراق پول‌های ایران در عراق امکان جابه‌جایی پیدا کرده‌اند.

با این حال، سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه حکومت اسلامی ایران در اکتبر سال ۲۰۲۰، ادعا کرده بود که ایران هیچ دارایی بلوکه شده در چین ندارد. او گفت ایران دارایی‌هایی در کشور دارد که می‌تواند در صورت نیاز از آن‌ها استفاده کند. چین با نادیده گرفتن تحریم‌های ایالات متحده خرید نفت ایران را ادامه داده و یک مقرر مالی برای اقتصاد در حال مبارزه تهران فراهم کرده است.

عراق طی این سال‌ها، برخی از بدهی‌های خود را پرداخت کرده است، اما تحریم‌های آمریکا و مشکلات اقتصادی در این کشور باعث شده انتقال پول بسیار کندتر از آنچه ایران انتظار داشته باشد.

پس از آن‌که انقلابیون دولت شاهنشاهی محمدرضا شاه پهلوی را سرنگون کردند و گروگان‌های آمریکایی را گرفتند، دارایی‌های ایران برای اولین بار توسط جیمی کارتر رییس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۷۹ بلوکه شد. پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، آمریکا به روابط اقتصادی و دیپلماتیک خود با ایران خاتمه داد، واردات نفت ایران را ممنوع کرد و تقریباً ۱۱ میلیارد دلار (از دلارهای ۱۹۸۰ آمریکا) از دارایی‌های خود را مسدود کرد.

بسیاری از دارایی‌ها پس از امضای توافق‌نامه الجزایر و پایان یافتن بحران گروگان‌ها، در سال ۱۹۸۱ آزاد شدند. در سال ۱۹۷۹، پنتاگون حدود ۴۰۰ میلیون دلار از تجهیزات نظامی ایران که قبلاً توسط دولت پهلوی خریداری شده بود، دوباره فروخت و پول حاصل از آن را «در یک حساب سپرده‌گذاری» قرار داد.

بخش عمده‌ای از پول‌های مسدود شده به درآمد ایران از فروش مقدار محدودی نفت قبل از رفع تحریم‌ها تعلق داشت، در زمانی که حکومت اسلامی ایران می‌توانست به‌طور قانونی نفت را بفروشد اما نتوانست پول را به ایران بازگرداند، زیرا انجام این کار تحت تحریم‌های آمریکا غیرقانونی بود.

در سال ۱۳۵۹ با میانجی‌گری کشور الجزایر دو کشور بر سر استرداد دارایی ایران از سوی واشنگتن به توافق رسیدند، به موجب قرارداد الجزایر، آمریکا متعهد شد که با اعاده وضعیت مالی ایران به قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ کلیه دارایی‌ها و اموال مسدود شده ایران که پس از تسخیر سفارت آمریکا در ایران، توقیف کرده را آزاد کند، اما این اتفاق هیچ‌گاه روی نداد.

دبورا پترسون و سایر شاکیان با طرح دعوی در دادگاه فدرال ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران، و به دلیل نقش او در بمب‌گذاری رد پادگان‌های بیروت در سال ۱۹۸۳ (که در آن ۲۴۱ تفنگدار دریایی کشته شدند و برای سایر اقدامات تروریسم بین‌المللی، حکمی علیه این دولت گرفتند. در حالی که معمولاً دولت‌های خارجی از ادعاهای دادرسی در دادگاه مصون هستند، شاکیان خواستار استثنائی در قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی در سال ۱۹۷۶ شدند که اجازه می‌داد دولت‌های خارجی در قبال دولت‌های حامی تروریسم مسئولیت داشته باشند. بانک مرکزی ایران، بانک مرکزی، اجرای حکم را به دلایل مختلف به چالش کشید. با این حال، در سال ۲۰۱۲، در کنگره به تصویب رسید و رئیس‌جمهور وقت آمریکا باراک اوباما، در سال ۲۰۱۲ قانون تهدید ایران و حقوق بشر سوریه را امضا کرد بانک مرکزی این اساسنامه را غیرقانونی دانست و اظهار داشت که کنگره در این پرونده خاص، به‌طور غیرقانونی در عملکرد قضایی دخالت کرده است. اما دادگاه عالی آمریکا، حکم داد که عمل کنگره قانون اساسی است. اکنون برای انتقال پول به نهادها و جنبش‌های اعتراضی و اعتصابی ایران، شاید بتوان چنین شکایتی را در آمریکا راه انداخت.

همچنین در مقاطع مختلف گزارش‌هایی درباره احتمال آزادی چند زندانی دو تابعیتی از سوی ایران و آزادی این مبالغ با موافقت دولت آمریکا منتشر شده بود.

در همین زمینه روزنامه فرهیختگان، چاپ تهران، روز ۱۸ فروردین ۱۴۰۱، گزارش داد که مذاکراتی انجام شده است که در ازای آزادی سیامک نمازی، محمدباقر نمازی و مراد طاهباز، سه زندانی دو تابعیتی ایرانی-آمریکایی، مبلغ ۷ میلیارد پول ایران آزاد شود.

خبرگزاری فارس نیز در گزارشی در این زمینه نوشته است آزادی این مبالغ مانند آزادی ۴۷۰ میلیون یورو طلب ایران است که از طرف دولت بریتانیا در قبال آزادی نازنین زاغری و انوشه آشوری پرداخت شد.

کشمکش بین ایران و کره جنوبی برای پرداخت بدهی میلیاردی ایران سابقه طولانی دارد. مقام‌های دو کشور بارها «تحریم‌های آمریکا» را به‌عنوان مشکل انتقال این پول به ایران اعلام کرده‌اند.

در ماه‌های گذشته و با آغاز دور جدید مذاکرات احیای برجام، دولت آمریکا برخی تحریم‌ها علیه ایران را تسهیل کرده، از جمله وزارت خارجه کره جنوبی ۲۲ دی سال گذشته اعلام کرد که آمریکا به دولت این کشور مجوز داده است تا غرامت معوقه یک شرکت ماشین‌سازی ایرانی به مبلغ «دستکم ۶۳ میلیون دلار» را پرداخت کند.

بهمن پارسال نیز کره جنوبی اعلام کرد ۱۸ میلیون دلار از دارایی‌های مسدودشده ایران را به عنوان بدهی حق عضویت معوقه تهران به سازمان ملل پرداخت کرده تا ایران به حق رای دست بیابد.

علاوه بر کره جنوبی، مقام‌های دولت ایران پیش‌تر در مصاحبه‌های مختلفی از انسداد سه میلیارد دلار در ژاپن، پنج میلیارد دلار در عراق، ۲۰ میلیارد دلار در چین و ۱/۶ میلیارد دلار در لوکزامبورگ خبر داده بودند.

بانک مرکزی ایران هم در گفت‌وگو با خبرگزاری «تسنیم» بر تلاش ایران برای آزادسازی دارایی‌های مسدود شده تاکید کرد، اما توافق ایران با آمریکا برای آزادسازی هفت میلیارد دارایی تهران را تایید نکرد.

«نورنیوز»، وبسایت نزدیک به شورای عالی امنیت ملی ایران، شامگاه ۹ مهر نوشته بود که «طی هفته‌های اخیر مذاکرات فشرده‌ای با وساطت یکی از کشورهای منطقه درباره آزادسازی همزمان زندانیان ایران و آمریکا انجام شده و میلیارد‌ها دالر از منابع ارزی مسدودشده نیز در این چارچوب در شرف آزادسازی است.»

انتشار این خبر در حالی بود که اعتراضات سراسری «زن، زندگی، آزادی» در ایران که از دو هفته پیش آغاز شده است، همچنان ادامه دارد و معترضان خواهان عدم مداخلات کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا با حکومت ایران هستند.

نورنیوز ادعا کرده بود منابع ارزی که در نتیجه توافق با دولت جو بایدن «در شرف آزادسازی» قرار گرفته، همان منابعی است که در بانک‌های کره جنوبی مسدود شده است.

پیش‌تر، شبکه خبری الجزیره روز ششم شهریور گزارش داده بود که در صورت توافق بر سر احیای برجام، آزادسازی هفت میلیارد دالر از دارایی‌های مسدودشده ایران در کره جنوبی یکی از اقدامات دولت جو بایدن خواهد بود.

با این حال نورنیوز با اشاره به توقف این مذاکرات نوشته بود که آمریکا «مستقل از روند مذاکرات هسته‌ای، در حال پیگیری موضوع آزادی زندانیان خود در ایران و همزمان آزادسازی منابع مسدودشده ارزی ایران در کره جنوبی است.»

این وبسایت افزوده بود که تهران «هنوز حساب‌های اعلامی برای انتقال منابع مذکور را بنا بر ملاحظات بانکی نپذیرفته و حساب‌های جدیدی را به این منظور معرفی کرده است.»

شکی نیست که این معامله صورت گرفته چرا که حکومت اسلامی که سال‌هاست نمازی را گروگان گرفته تا در قبال دریافت پول آزاد کند منطق به ما می‌گوید که این حکومت بدون دریافت مبالغی هرگز نمازی را آزاد نیم‌کرد.

سیامک نمازی، که خبر مرخصی او از زندان همزمان با این خبر منتشر شد، در مهرماه سال ۱۳۹۴ به اتهام «همکاری با آمریکا» بازداشت شد و از آن تاریخ در زندان بود.

باقر نمازی، پدر سیامک، نیز که با وعده مقامات ایران برای دیدار با پسرش به تهران سفر کرد، بهمن ۱۳۹۵ در ۷۹ سالگی بازداشت و به اتهام «همکاری با دشمنان نظام (ایالات متحده آمریکا)» به ده سال زندان محکوم شده بود.

نمازی در سال ۱۳۹۷ با مرخصی استعلاجی از زندان آزاد شد و اوایل سال ۱۳۹۹ قوه قضاییه حکومت اسلامی پرونده او را مختومه اعلام کرد.

با این همه، حکومت اسلامی تا کنون باقر نمازی را ممنوع‌الخروج کرده بود و او برای پیوستن به خانواده و برخورداری از معالجات پزشکی از حق بازگشت به آمریکا محروم مانده بود.

در حال حاضر، علاوه بر سیامک نمازی، عماد شرقی و مراد طاهباز، دیگر شهروندان ایرانی-آمریکایی نیز در ایران زندانی هستند.

حکومت اسلامی ایران بارها اعلام کرده که آماده مبادله آن‌ها با زندانیان ایرانی در آمریکا است، اما غرب می‌گوید که حکومت اسلامی از این افراد برای «باج‌خواهی» استفاده می‌کند.

با توجه به آمارهای اموال و املاک بلوکه‌شده ایران در حساب‌های بین‌المللی بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیارد دالر برآورد شده است. سهم هر ایران از اموال بلوکه شده چقدر است؟

با فرض دالر ۲۸ هزار تومانی و با توجه به جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران، به هر ایرانی بیش از ۳۲ میلیون تومان خواهد رسید.

یک برآورد سرتنگشتی نشان می‌دهد که براساس آمارها درآمد نفتی ایران طی ۴۰ سال گذشته حدود ۱۴۱۲ میلیارد دلار بوده یعنی به‌طور میانگین ایران سالانه ۳۵ میلیارد دلار درآمد نفتی کسب کرده است که با توجه به این آمارها به اندازه ۳ سال درآمد نفتی ایران، پول بلوکه‌شده وجود دارد.

با توجه به این‌که متوسط قیمت هر متر آپارتمان در تهران حدود ۳۵ میلیون تومان است و با فرض دلار ۲۸ هزار تومانی با پول‌های بلوکه‌شده ایران می‌توان ۸۰ میلیون متر مربع خانه خرید یا به‌عبارتی یک میلیون آپارتمان ۸۰ متری یا دو میلیون آپارتمان ۴۰ متری خرید.

پیمان مولوی، اقتصاددان و دبیر انجمن اقتصاددانان ایران برای قابل فهم کردن پول بلوکه شده ایران در عراق نوشته است: «رقم دلارهای بلوکه‌شده در عراق معادل ساخت ۴ بندر به ابعاد بوسان کره جنوبی، ۱۱ پروژه گازی در قطر یا ساخت دو پل روی تنگه بسفر استانبول، یا ۱۶ استادیوم همانند امارات در لندن یا ۵ فرودگاه مانند فرودگاه سنگاپور (بهترین فرودگاه جهان) است.»

مبالغ هنگفتی که خانواده سلطنتی در مقطع انقلاب ۱۳۵۷ از ایران خارج کردند!

سابقه انتقال دارایی‌ها به خارج از کشور، به زمان رضاخان برمی‌گردد. او مبالغ زیادی از منابع ارزی کشور را به بانک‌های خارجی انتقال داده بود و سالانه حدود شصت میلیون میلیون تومان - معادل ۲۵ میلیون دلار - به خارج ارسال کرد. او که سپرده‌ای در حدود ۳۰۰ میلیون تومان در بانک‌های خارج داشت، اظهار کرده بود: «۷۰۰۰ میلیون تمام جمع کردم که به ملت یاد بدهم که با جدیت همه کار می‌شود کرد و نباید تنها به نان و گوشت قناعت نمود». این مبلغ، معادل ۵۴۰۰ خرواری طلای مثقالی ۲۰ تومان آن روز بود. میزان موجودی رضاخان در بانک‌های انگلستان ۵۶ میلیون پوند بود که این مبلغ بعدها به محمدرضا منتقل شد.

بر اساس بایگانی وزارت خارجه ایالات متحده، رضاخان در زمان کناره‌گیری، ۵۰ میلیون دلار در بانک تهران، ۱۸ میلیون دلار در بانک‌های نیویورک و حداقل ۱۰۰ میلیون دلار در بانک‌های لندن ذخیره کرده بود.

ثروتی که در دوران پهلوی اول، در مقطع سقوط رضاخان و در فرارهای چندباره محمدرضا و فرار آخر او از ایران خارج شد، بیش از ده‌ها میلیارد دلار تخمین زده شده‌است. تنها در موعد سقوط رضاخان و فرار او از ایران، به استناد بایگانی وزارت خارجه آمریکا نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار از ایران خارج شد. در کتاب «از قاجار به پهلوی» نوشته محمدعلی مجد، که به فارسی هم ترجمه شده‌است، منطبق بر اسناد وزارت خارجه آمریکا، آمده‌است: «رضا شاه هنگام کناره‌گیری از سلطنت یکی از ثروتمندترین مردم جهان بود.»

تنها در موعد سقوط رضاخان و فرار او از ایران، به استناد بایگانی وزارت خارجه آمریکا نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار از ایران خارج شد. این سرمایه جدا از موارد متعدد تصاحب زمین توسط رضاخان است.

رضاخان در سال‌های سلطنت نزدیک به ۷ هزار دهکده و مناطق وسیعی از اراضی ایران را به املاک شخصی خود اضافه کرد. جواهرات سلطنتی نیز به این لیست اضافه می‌شود. در مقاله‌ای پیرامون جواهرات سلطنتی آمده‌است: مهم‌ترین رویدادی که در دوره پهلوی اول، جواهرات سلطنتی را خبرساز کرد، وقایع مربوط به سقوط رضا شاه و شایعاتی بود که درباره جواهرات سلطنتی رواج پیدا کرد؛ خبرهایی که همانند زمان خروج احمدشاه از ایران در کشور در افواه جاری بود و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده بود. این اخبار به سرعت به صحن علنی مجلس نیز کشیده شد. نخستین واکنش رسمی نمایندگان به این اخبار، سوالی بود که توسط شکرالله صفوی (مدیر روزنامه کوشش) به رئیس مجلس داده شد و مقرر شد دولت در عرض ۱۰ روز به آن پاسخ دهد. موضوع به وزارت دارایی ارجاع شد و

قرار شد نخست‌وزیر به همراه وزیر دارایی در صحن علنی به مجلس پاسخ دهند. واکنش رضا شاه به این حق قانونی نمایندگان مناسب نبود. گلشاییان، وزیر دارایی، خاطره برخورد رضا شاه را نسبت به سؤال نماینده مجلس درباره جواهرات این‌گونه می‌نویسد: «شاه گفت: به مجلس چه مربوط؛ این... فضولی کرده، نباید اعتنا کرد.»

نویسنده مقاله «معمای جواهرات سلطنتی پس از سقوط پهلوی اول» در آغاز یادداشت خود می‌نویسد: «مجموعه جواهرات ملی ایران که در دوره تاریخی مورد بررسی، تحت عنوان جواهرات سلطنتی از آن یاد می‌شود، یکی از گرانبهارترین مجموعه‌های تاریخی جواهرات است که در طول چندین قرن، جمع‌آوری شده‌است. به‌ویژه از دوره صفویه اطلاعات روشن‌تری از مجموعه جواهرات سلطنتی وجود دارد. بعد از فراز و نشیب‌های بسیار با به‌وجود آمدن سلسله قاجار، به‌ویژه در دوره فتح‌علی‌شاه، مجموعه شکل تازه‌ای یافت. همراه با تحولات تاریخی ایران، این مجموعه نیز تحت تأثیر قرار گرفت و با به وقوع پیوستن انقلاب مشروطه، همان‌گونه که بر اساس قانون اساسی مشروطه، سلطنت از جانب ملت به شاه تفویض می‌شد، جواهرات سلطنتی هم به صورت دارایی‌های مقام سلطنت (نه شخص سلطنت) و ملت درآمد.»

در هنگام خروج محمدرضا و فرح پهلوی از ایران، بخش اعظمی از همین جواهرات سلطنتی توسط چمدان‌های متعدد در کنار مبالغ هنگفتی ارز از کشور خارج شد: «رییس کل تشریفات دربار آغاز عملیات خروج شاه و همراهان را ۲۴ دی‌ماه ۱۳۵۷ اعلام کرد. او دستور داد برچسب‌های شناسایی چمدان‌ها، بسته‌ها و صندوق‌های شاه که منقش به آرم دربار و سلطنتی بود به درون کاخ نیاوران آورده شود تا تشریفات لازم و آخرین شناسایی درباره آن‌ها صورت بگیرد. برچسب‌های اختصاصی دربار اینک آماده شده بود تا به چمدان‌ها و صندوق‌ها الصاق شود. دستور پر کردن و بستن چمدان‌ها و صندوق‌ها در روز ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ با تأیید شاه و به دستور فرح صادر شد. فرح دستور داد ۳۸۴ عدد چمدان و صندوق بسته شود. یک تیم از افراد مورد تأیید فرح جمع‌آوری و بسته‌بندی همه‌گونه عتیقه، جواهرات و الماس‌های گرانبها، ساعت‌های تمام‌طلا و تاج و نیم‌تاج‌های تمام زمرد را بر عهده داشتند. این گنجینه از جواهرات و عتیقه‌جات در مکان‌های امن کاخ نیاوران نگهداری می‌شد. فرح بر همه بسته‌بندی‌ها نظارت کامل داشت. فرح دستور داد ۳۸۴ عدد چمدان و صندوق بسته شود. یک تیم از افراد مورد تأیید فرح جمع‌آوری و بسته‌بندی همه‌گونه عتیقه، جواهرات و الماس‌های گرانبها، ساعت‌های تمام‌طلا و تاج و نیم‌تاج‌های تمام زمرد را بر عهده داشتند. این گنجینه از جواهرات و عتیقه‌جات در مکان‌های امن کاخ نیاوران نگهداری می‌شد. فرح بر همه بسته‌بندی‌ها نظارت کامل داشت. بسته‌بندی و جمع‌آوری دالره‌های آمریکایی که از ماه‌ها قبل نقدا جمع شده بود توسط بخش مالی دربار انجام شد. تاج شاهنشاهی با ۳۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زمرد، ۳۶۸ حبه مروارید و با وزن ۲ کیلو و ۸۰ گرم و از نظر قیمت غیرقابل تخمین و تاج ملکه با ۱۶۴۶ قطعه الماس و تعداد معتناهی از جواهرات دیگر و طلا به ارزش ده‌ها میلیون دالر به عنوان بخش اندکی از جواهرات ربوده شده سلطنتی هستند. بسته‌بندی این گنجینه‌ها سرعتی خاص می‌طلبید که باید درون چمدان‌ها و صندوق‌ها جای داده می‌شد. در جریان این بسته‌بندی‌ها بسیاری از جواهرات توسط اعضای تیم بسته‌بندی دزدیده شد و هرگز ردیابی از آن‌ها به‌دست نیامد...».

این موارد در خاطرات خودنوشت اهالی دربار یا گفت‌وگوهای متعدد وابستگان حکومت پهلوی که تبدیل به کتاب شده، مورد تأکید قرار گرفته است. با این همه، چندسال پیش فرح پهلوی، در گفت‌وگویی با تلویزیون من و تو (که همین اواخر چالش شفافیت منابع مالی‌اش از سوی مخاطبان شبکه‌های اجتماعی مورد سؤال قرار گرفته بود)، اعلام کرد: اموال شاه هنگام فرار از ایران تنها ۶۲ میلیون دالر بوده‌است!

این ادعا در حالی است که در همان سال‌ها، روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی به مناسبت قیام‌های موجود در کشورهای عربی علیه دیکتاتورهای ایران، میزان دارایی‌های خارج شده از سوی دیکتاتورهای فراری از کشورهای مختلف را بررسی و اعلام کرد محمدرضا پهلوی، شاه سابق ایران ۳۵ میلیارد دلار دارایی از ایران خارج کرده‌است. نگاهی به برخی فعالیت‌های افراد نزدیک به شاه مخلوع بعد از سرنگونی رژیم طاغوت نشان می‌دهد ارقام بیش از این است. به نظر می‌رسد این رقم متعلق به خروج مستقیم دارایی به شکل ارز از کشور باشد و املاک و سهام خاندان پهلوی در خارج از کشور در آن محاسبه نشده‌است. اسناد و مدارک موجود در ایران نشان می‌دهد بخشی از املاک محمدرضا پهلوی در ایران شامل ۲۲۰ هکتار زمین قبل از خروج او از کشور در سال ۱۳۵۷ به فروش رفته و به صورت ارز از کشور خارج شده بود. با این حال بر اساس آمارهایی که روزنامه‌ها و نشریات آمریکایی منتشر کردند ثروت شاه شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها، بنیادها، حساب‌های بانکی، زمینی در کوستا دل سول اسپانیا، ویلایی در سنت موریس سوئیس که بعدها سیلویو برلوسکونی آن را خرید و املاکی در نقاط مختلف دنیا بود.

اموالی که خاندان پهلوی چه پهلوی‌های پدر و پسر و چه خواهران و برادران و فامیل از بیت‌المال ملت غارت کردند و مستغلات و دارایی‌های آن‌ها فهرستی بسیار طولانی است. شاه در سال ۱۳۳۷ شمسی «بنیاد پهلوی» را تأسیس کرد (ساختمان بنیاد پهلوی در آونو پنجم در خیابان پنجاه و دوم نیویورک قرار دارد که ارزش دفتری آن در سال ۱۳۵۴، ۱۴/۵ میلیون دلار بوده‌است) و بخشی از مایملک خود اعم از میهمانخانه‌ها، سهام کارخانه‌ها، شرکت‌ها و بانک‌ها را در اختیار این بنیاد قرار داد.

این بنیاد جایگزین «سازمان املاک و مستغلات پهلوی» شد و در مهر ۱۳۴۰، شاه برای سرپوش گذاشتن بر اموال نامشروع خود فرمان وقف دارایی بنیاد پهلوی به امور خیریه را صادر کرد، در صورتی که اکثر اعضای هیئت امنای آن خود شاه و دربار بودند. علاوه بر این‌ها، مبالغ هنگفتی از درآمد نفت به صورت اعتبارات بانکی در اختیار بنیاد پهلوی قرار می‌گرفت. در این حالت خاندان پهلوی نعمت‌ها اموال قبلی خود (اموال باقیمانده از رضاخان) را از دست نداد، بلکه درآمدهای نفتی و ... هم به آن اضافه شد.

اگرچه اهداف این بنیاد به ظاهر خیرخواهانه و در جهت توسعه آموزش و پرورش، اعطای بورس تحصیلی و از این قبیل مطرح می‌شد، اما خانواده پهلوی علاوه بر چپاول هدایا و وام‌های بین‌المللی که برای این بنیاد گرفته می‌شد، با داشتن ۲۰۷ موسسه اقتصادی از قبیل: شرکت‌های ساختمانی، معدنی، کشاورزی، بیمه، بانک و هتل‌ها و کازینوها (قمارخانه‌ها) و کاباره‌ها و سایر مراکز، عملاً مخل سلامت سیستم اقتصادی کشور شدند. بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه‌ها، هتل‌ها و تعدادی از مجموعه‌های توریستی- تفریحی، کارخانجات و شرکت‌های تولیدی در اقصی نقاط کشور و خارج از مرزهای ایران از جمله این دارایی‌ها بود. تنها در یک مورد می‌توان اشاره به سهام شاه در پروژه‌های بین‌المللی کرد؛ این بخش از درآمدها آنقدر زیاد بود که برخی منابع خبر از دقیقه‌ای ۶ هزار دلار و سالانه بالغ بر ۳ میلیارد دلار سود خالص از محل سرمایه‌گذاری‌های شاه در نقاط مختلف دنیا می‌دادند.

با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، بخش مهمی از این اموال و مستغلات از دست افراد مربوط به پهلوی و دربار خارج شد، اما تکلیف اموال و املاک خارج از ایران به علت حجم زیاد آن چنان مبهم است که کمتر کسی امکان پژوهش درباره آن‌ها را دارد. البته می‌توان حدس زد این دارایی‌ها در ۴۰ سال گذشته در چه راه‌هایی و توسط چه کسانی خرج شده و هنوز خرج می‌شود، اما حجم زیاد این دارایی‌ها که محصول بیش از یک قرن حکومت پهلوی، فروش نفت و تولیدات ملی دیگر به اضافه جواهرات و دارایی‌های ملی و سلطنتی است، باعث شده برآورد آن سخت و ناممکن شود. تنها در یک مورد می‌توان اشاره به سهام شاه در پروژه‌های بین‌المللی کرد؛ این بخش از درآمدها آنقدر

زیاد بود که برخی منابع خبر از دقیقه‌ای ۶ هزار دالر و سالانه بالغ بر ۳ میلیارد دالر سود خالص از محل سرمایه گذاری های شاه در نقاط مختلف دنیا می‌دادند.

تجربه اخراج رضاخان از ایران، پهلوی‌ها را هوشیار کرده بود. آنان تا می‌توانستند زمین، مستغلات و دارایی‌های خود را نقد کردند و به خارج انتقال دادند. محمدرضا پهلوی که یک بار در روزهای قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجبور شده بود با برجا گذاشتن اموال غیرمنقول خود و خانواده‌اش از ایران فرار کند، از فردای ۲۸ مرداد در صدد آن برآمد که این اموال را هم به اضعاف قیمت و تحت عناوین به ظاهر انقلابی و اصلاحی به این ملت فقیر بفروشد و پول‌های بادآورده را به خارج منتقل کند.

او هواپیمای اختصاصی خود را به قیمت ۸ میلیون ریال به سازمان برنامه فروخت. او به شرکت نفت ایران دستور داد که چند هتل از جمله هتل هایت شمال، هتل مشهد، هتل اوین و تاسیسات و قمارخانه‌های جزیره کیش را بخرد و بابت هر هتل ۱۰۰ میلیون تومان و برای تاسیسات و قمارخانه جزیره کیش، ۵ میلیارد تومان از صندوق شرکت ملی نفت ایران را به او بپردازد. در این معامله، منابع عظیمی نیز به دلال‌ها و مقام‌های عالی وقت شرکت نفت پرداخت شد. شرکت ملی نفت و شرکت هواپیمای ملی ایران و شمار دیگری از بنگاه‌های دولتی دستور یافتند که سایر تاسیسات بنیاد پهلوی را نیز خریداری کنند. محمدرضا پهلوی با این روش، دارایی‌های خود را آزادانه به خارج منتقل کرد.

پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، روزنامه نیویورک تایمز به نقل از منابع بانکی جهان، ارزش اوراق بهادار متعلق به محمدرضا پهلوی را بیش از یک میلیارد دالر اعلام کرد و نوشت: «مبلغی بین ۲ تا ۴ میلیارد دالر تنها در طول سال‌های ۵۶ و ۵۷ از سوی خانواده سلطنتی از ایران به آمریکا منتقل شده است. یکی از حساب‌های بانکی محمدرضا پهلوی در سوئیس، ۲ میلیارد سپرده داشت.»

سایر اعضای خاندان سلطنتی نیز به تدریج دارایی‌های غیر نقدی خویش را به دولت یا دیگران فروختند و سرمایه‌های خود را به خارج انتقال دادند. در سال‌های عادی، هر سال ۲ میلیارد دالر از ثروت کشور به صورت ارز خارج می‌شد ولی وقتی اوضاع ایران ناآرام شد، ۳۰ مهر تا اول آذر ۱۳۵۶ دو میلیارد و چهارصد میلیون دالر از کشور خارج شد. کارمندان بانک مرکزی، لیست کسانی را که این ارز را خارج کرده بودند، منتشر کرد. این لیست حاوی نام بیش از ۱۷۱ نفر بود که در راس آن‌ها نام افراد خانواده سلطنتی به چشم می‌خورد. پول‌های خانواده محمدرضا پهلوی در آمریکا ۱۶ میلیارد دالر تخمین زده شده است.

علاوه بر انتقال سرمایه و وجوه نقدی، اشیا و اقلام گران‌قیمت مانند جواهرات و سنگ‌های قیمتی، تابلو، اشیای عتیقه و ... نیز از سوی خاندان پهلوی به خارج انتقال یافت. محمدرضا پهلوی همراه اثاث و لوازم خود، چهار جعبه بزرگ (هر یک به اندازه نیم‌قد انسان) جواهرات از ایران خارج کرد. سایر اعضای خانواده به‌طور جداگانه جواهراتشان را بردند. اشرف و ملکه مادر، مدتی قبل از پیروزی انقلاب، سر فرصت این کار را انجام داده بودند. محمدرضا پهلوی تنها با فروش کمی از جواهراتش در آمریکا، ۳۰ میلیون دالر به دست آورد.

بر اساس خبری که در روزنامه حریت ترکیه در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۶۹ به چاپ رسید، فرح مبلغ ۳۵۰ میلیون استرلینگ، از فروش جواهرات به ساجده حسین همسر صدام حسین به دست آورد.

محمدرضا پهلوی بعد از حدود ۳۰ سال پادشاهی و همراهی با انگلیس و سپس آمریکا بدون اعلام قبلی و پس از انجام یک نطق تلویزیونی سوار بر یک هواپیمای بوئینگ خاک ایران را ترک کرد تا جهان و منطقه غرب آسیا از ریل سابق خود خارج شده و دروازه‌های جدیدی را در برابر خود ببیند.

در آن زمان هیچ رسانه‌ای موضوع اول بین‌الملل خود را به اتفاقی جز ایران اختصاص نمی‌داد. مسائل مختلفی همچون؛ عاقبت خاورمیانه، کودتاهای احتمالی پیش رو، اظهارنظرهای مختلف صاحب‌نظران و ... همه و همه باعث شده بود تا کسی متوجه سرقت بزرگ خاندان پهلوی از ایران نشود. سرقتی که تا به امروز جزئیات کاملی از آن منتشر نشده و هنوز درباره آن سوالات بی‌شماری مطرح است.

این مساله البته از سوی ایران با نام‌نگاری به سوئیس و برخی دیگر کشورها برای بازپس گرفتن پول‌های خارج شده دنبال شد اما تقریباً هیچ کشوری حاضر به پس دادن اموال مسروقه نشد و مدتی بعد که رسانه‌ها از جنجال سیاسی خارج شدند آرام آرام به سرقت اموال ایرانی‌ها نیز توجه کردند.

در همان سال‌ها کریستین ساینس مانیتور در مقاله‌ای ضمن بررسی بخشی از فهرست اموالی که شاه از ایران خارج کرده بود با تیتز: «ثروت افسانه‌ای شاه ایران» نوشت: آیا ثروتی که شاه از ایران خارج کرده است افسانه‌ای است؟ بله، افسانه‌ای است، زیرا تا کنون هیچ‌کس جز شاه مخلوع نمی‌داند هنگام خروج از ایران در ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ دقیقاً چه مقدار پول با خود برده است.

این رسانه ثروت احتمالی شاه را از میلیون‌ها تا میلیارد‌ها دالر برآورد کرد و نوشت: آقای پل ادوایر که از سوی ایران برای بازپس گرفتن اموال مسروقه به‌عنوان وکیل انتخاب شده است معتقد است اگر همه چیز فراهم باشد لااقل ۵ سال طول می‌کشد تا میزان دارایی شاه سابق اندازه‌گیری شود. چرا که بسیاری معتقدند شاه و خانواده‌اش اموال و پول‌های خارج شده را در حساب‌های محرمانه ذخیره کرده‌اند.

ساینس مانیتور نوشت: برخی دیگر بر این باورند که اسرار ثروت شاه را می‌توان از طریق دو تن از دوستانش «دیوید راکفلر» و «هنری کیسینجر» یافت. از آقای راکفلر، رییس بانک چیس منهتن در نیویورک، در نشست سالانه آن در مورد رابطه این بانک با شاه سؤال شد؛ او به سهام‌داران گفت: «سیاست ما این نیست که در مورد روابط با مشتری صحبت کنیم یا حتی تایید کنیم که آیا این مشتری ما هست یا خیر.»

جالب این‌جاست که همان زمان واشنگتن پست نیز گزارش داد وقتی پدر شاه، «رضاشاه» در سال ۱۹۴۱ مجبور به تبعید شد، «مدعی مالکیت ۱۰ درصد از زمین‌های کشور شد.» این یعنی چیزی حدود ۲ هزار کیلومتر مربع از زمین‌های حاصل‌خیز.

واشنگتن پست تصریح کرد شاه سابق ایران برای رفع نارضایتی مقداری از زمین‌ها را به کشاورزان خرده پا پس داد، اما مقدار زیادی از آن را نگه داشت. مقداری از این زمین‌ها برای تامین مالی سرمایه‌گذاری‌های شاه در جاهای دیگر فروخته شد.

«پرواند آبراهامیان» از تاریخ‌نگاران برجسته در کتاب «ایران بین دو انقلاب» ضمن اشاره به مقاله روزنامه «نیویورک تایمز» در آن زمان درباره بنیاد پهلوی آورده است: «به‌نوشته نیویورک‌تایمز، در پس ظاهر فعالیت‌های خیریه، این بنیاد به سه منظور به‌کار می‌رفت: به‌عنوان منبعی از درآمد برای خاندان سلطنتی، به‌عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ در بخش‌های مهم اقتصاد و به‌عنوان مجرای پاداش به حامیان رژیم. این استاد دانشگاه آمریکایی همچنین درباره اموال به‌غارت رفته توسط نزدیکان محمدرضا پهلوی و دربار سلطنتی با استناد به آمار بانک مرکزی در آغازین روزهای انقلاب اسلامی می‌نویسد: «بانک مرکزی ایران لیستی را از ۱۷۷ نفر از اشخاص برجسته (حکومت پهلوی) منتشر کرد که جمعاً حدود ۲ میلیارد دالر را به خارج از این کشور منتقل کرده بودند. برخی از مهم‌ترین افراد در بین آن‌ها بدین شرح است:

*جعفر شریف امامی، حدود ۳۱ میلیون دالر

* غلامعلی اویسی، ۱۵ میلیون دالر

* نمازی، ۹ میلیون دالر

* ناصر مقدم، ۲ میلیون دالر

* شهردار وقت تهران، ۶ میلیون دالر

* وزیر وقت بهداشت، ۷ میلیون دالر

* مدیر شرکت ملی نفت ایران، بیش از ۶۰ میلیون دالر

بخش مهمی از ثروت ملی شهروندان ایران، توسط ارز و به وسیله نزدیکان شاه از ایران خارج شد. تنها مقامات دولتی ۱۳ میلیارد دالر ارز طی ۲ ماه خارج کردند و شاه و اطرافیانش با بردن ۳۸۴ چمدان بزرگ از طلا و جواهرات سلطنتی و ثروت‌های دیگری که قبل از این به صورت ارز از کشور خارج شده بود، مسلماً مبلغی بیش از این به تاراج برده‌اند. در فهرست بانک مرکزی نام ۱۷۸ نفر از مقامات دولتی گنجانده شده بود. درباره دارایی‌های ملی که شاه و خانواده‌اش از سال‌ها قبل از انقلاب بویژه در ماه‌های آخر حکومت از ایران خارج کرده‌اند، اردشیر زاهدی از نزدیکان دربار پهلوی و دوست نزدیک دوران کودکی تا آخر عمرش، چنین نوشته است: «دادستان تهران در زمان شریف امامی فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند، استخراج کرد. در میان این فهرست شخص اعلی‌حضرت به خروج ۳۱ میلیارد دالر از کشور متهم شده بود.»

اردشیر زاهدی (داماد محمدرضا پهلوی) تنها مقام رسمی حکومتی بود که در زمان بیماری محمدرضا شاه در دوره آوارگی با او بود و برای اقامت پهلوی دوم در آمریکا خیلی تلاش کرد. بر اساس اسناد و مدارک موجود، در بحبوحه انقلاب و در حالی که بسیاری از ادارات در اعتصاب به سر می‌بردند، کارکنان بانک مرکزی، پانزدهم آذرماه ۱۳۵۷، صورت کسانی را که طی ۲ ماه شهریور و مهر ۱۳۵۷، ارز از مملکت خارج کرده بودند منتشر کردند. بر اساس اسناد و مدارک موجود، در بحبوحه انقلاب و در حالی که بسیاری از ادارات در اعتصاب به سر می‌بردند، کارکنان بانک مرکزی، پانزدهم آذرماه ۵۷، صورت کسانی را که طی ۲ ماه شهریور و مهر ۱۳۵۷ ارز از مملکت خارج کرده بودند منتشر کردند. در این لیست بیان شده بود که کدامیک از مقامات دولتی و حکومتی حدود ۱۳ میلیارد دالر از ثروت‌های خود را به صورت ارز از کشور خارج کرده بودند. جمع مبلغ حواله شده بالغ بر ۱۳ میلیارد دالر اعلام شد. این افراد، چون وضعیت انقلاب و امکان سقوط نظام شاهنشاهی را دیدند اقدام به خارج کردن اموال خود از کشور کردند.

بر اساس جمع‌بندی برخی گزارش‌ها درباره همه دزدی‌ها و اموال به سرقت رفته توسط این خاندان می‌توان این رقم را تا ۱۰۰ میلیارد دالر هم برآورد کرد. قرار بود طبق خواسته شاه، ثروتش به نسبت زیر تقسیم شود: ۲۰ درصد به فرح دیبا، ۲۰ درصد به پسر بزرگش رضا، ۱۵ درصد به فرحناز، ۱۵ درصد به لیلا، ۲۰ درصد به علیرضا پسر دیگر شاه، ۸ درصد به شهناز و ۲ درصد به نوه‌اش مهناز زاهدی. ارزش ثروت تقسیم شده شاه از ۱۲۰ میلیون دالر طبق گفته بعضی وابستگان به خانواده پهلوی تا ۱۰۰ میلیارد دالر طبق برآوردهای نیمه‌رسمی متغیر است. عباس میلانی که به این خاندان نزدیک است، رقمی نزدیک به یک میلیارد دالر را نزدیک‌تر به واقعیت می‌داند.

روزنامه نیویورک‌تایمز نیز در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۷۹، با استناد به گفته منابع بانکی جهانی نوشت که مبلغی بین دو تا چهار میلیارد دالر تنها در طول این دو سال آخر (۱۳۵۶ و ۱۳۵۷) از سوی خانواده سلطنتی ایران به آمریکا منتقل شده است.

در سال ۱۳۹۱ نیز روزنامه «فایننشال تایمز» به مناسبت بیداری اسلامی در کشورهای عربی میزان دارایی‌های خارج شده توسط محمدرضا پهلوی را بدین شرح اعلام کرد: «محمدرضا پهلوی، شاه مخلوع ایران ۳۵ میلیارد دلار دارایی از ایران خارج کرده است.»

علاوه بر قصرها و باغ‌هایی که مستقیماً به نام محمدرضا پهلوی و خاندان وی در آمده بود، شاه خارج از کشور نیز املاک بسیاری داشت که می‌توان به گران‌ترین خانه و پارک در حومه لندن، قصر و باغ‌های «استیل مانس» که ملکه الیزابت دوم در آن‌جا متولد شد، اشاره کرد. همچنین گران‌ترین باغ و ساختمان در ناپل (ایتالیا) متعلق به او بود. شاه در کاپری یک باغ بزرگ و ویلایی مجلل داشت. همچنین قصر مجللی هم در سنت‌موریس داشت که زمستان‌ها را در آن‌جا می‌گذراند به نحوی که سنت‌موریس سوییس در بین دیپلمات‌های خارجی به پایتخت زمستانی ایران معروف بود!

شاه در سال ۱۳۵۰ یک جزیره در اسپانیا به مبلغ ۷۰۰ میلیون دلار خریداری کرد و در مرکز جزیره یک ساختمان مدرن ساخت و اطراف آن را با دیوارهای مرتفع به سبک قرون وسطی محصور کرد و بقیه اراضی را هم به قطعات چند هزار متری تقسیم کرد و به سران نظامی و رجال سیاسی فروخت.

طبق نوشته روزنامه «دیلی اکسپرس» چاپ لندن مورخ ۲۸ مارس ۱۹۷۸ شاه یک ملک بزرگ هم در منطقه کوه‌های راکی آمریکا به قیمت یک میلیون پوند انگلیس خریده بود. میزان ثروت و دارایی‌های شاه مخلوع در خارج از کشور به حدی بود که تنها اشرف پهلوی، خواهر وی در نوروز سال ۵۳ در یک قمارخانه در شهر کن در یک شب ۱۵ میلیون فرانک باخت!

شایان ذکر است که رضا پهلوی ادعای تاج و تخت در ایران دارد و امروز از سوی برخی نهادها و دولت‌های غربی و همچنین رسانه‌های فارسی‌زبان سراسری مانند بی‌بی‌سی، من و تو، انترناشیونال، صدای آمریکا، رادیو فردا و... مورد حمایت قرار می‌گیرد. در حالی که همگان می‌دانند او در جامعه ایران، پایگاه چندانی ندارد. بنابراین، یکی از منابعی که می‌توان به ادامه اعتصاب کارگران و کارمندان اختصاص داد از همین مبالغ هنگفتی است که در اختیار خانواده پهلوی به ویژه رضا پهلوی است.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که مردم ایران در خارج کشور، در دو منبع مبالغ میلیاردی دارند: یکی در اختیار خانواده پهلوی به ویژه رضا پهلوی است و دومی، مبالغ بلوکه شده ایران در سال‌های اخیر.

کارگران نفت صدای اعتراض همه کارگران و همه مردم در ایران است. همین کارگران بودند که در انقلاب ۵۷، آخرین ضربه کاری را به حکومت پهلوی وارد کردند و آن را به سرنگونی کشاندند. اکنون نیز همین کارگران به میدان آمده‌اند تا حکومت اسلامی را راهی همان گورستانی کنند که در سال ۵۷ حکومت پهلوی را به آن‌جا فرستادند.

اتحاد و همبستگی در مبارزه انقلابی، فقط به اعتراض در کنار هم محدود نمی‌شود چرا که هدف ساختن آینده بهتر و هم‌سرنوشتی است به همین دلیل باید از هر طریق ممکن به کارگران اخراجی و بیکاران کمک کرد. آن‌هایی که وضع مالی‌شان خوب است به کسانی که نیاز دارند کمک کنند. باید کمپین عدم پرداخت هزینه برق و آب و اجاره خانه راه انداخت.

حکومت اسلامی، نماینده واقعی مردم ایران نیست و الان تمام جهانیان نیز این موضع را درک کرده‌اند بنابراین، حکومت اسلامی جز فروپاشی و نابودی راه دیگری ندارد. این حکومت جانی، باید در سطح جهان بایکوت شود و نباید بیش از این به خامنه‌ای و رئیسی امان داد که سردهسته جنایت‌کاران حکومتی هستند. جنایت‌کارانی که پرونده قطوری از قتل و سرکوب کارگران و مردم را در کارنامه سیاه حکومت ۴۳ ساله خود دارند. جای خامنه‌ای و رئیسی و تکتک سران این حکومت، پشت میز محاکمه است.

امروز کارگران و همه شهروندان ایران و در پیشاپیش همه جوانان دختر و پسر عزم و اراده کرده‌اند که خود را از اسارت وحشی‌ترین حکومت جهان رها سازند و جهانی نوینی برای خود بسازند.

امروز صندوق همبستگی مالی، یک نیاز عاجل جنبش کارگری است. بخش زیادی از کارگران در طی سال‌های گذشته فقیر و فقیرتر شده‌اند در موقعیت بسیار سختی به سر می‌برند. در چنین شرایطی و در حالی که اعتراض‌های خیابانی روزبه‌روز گسترده‌تر و وسیع‌تر شده‌اند و از سوی دیگر، سرکوب‌ها نیز تشدید شده روشن است که کارگران فرزندان خود را در خیابان‌ها تنها نمی‌گذارند.

صندوق‌های همبستگی یک سنت قدیمی و پیشرو در جنبش کارگری در سطح جهان است. یک نمونه برجسته آن صندوق همبستگی با کارگران اعتصابی معدن در انگلیس در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۵ است. در جریان بسیاری از اعتصابات طولانی که به کارگران اعتصابی حقوقی پرداخت نشده کارگران صندوق‌هایی ایجاد کرده‌اند و آن را هم علنی اعلام کرده‌اند و به‌عنوان بخشی از مبارزه خود علیه دولت‌ها و کارفرمایان از مردم کمک خواسته‌اند.

بی‌تردید اگر تعدادی از وکلا و حقوق‌دانان مردمی در کشورهای مختلف جهان، بتوانند مبالغی از پول‌های بلوکه شده ایران در خارج کشور را آزاد کنند و به‌دست نهادهای کارگری اعتصابی و مردم معترض برسانند اقدامی ارزنده و شایسته انجام داده‌اند!

جمعه بیست و دم مهر - میزان - ۱۴۰۱ - چهاردهم اکتوبر ۲۰۲۲